

## تحلیل گفتمان ایدئولوژیکی تذکره‌المعاصرین با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی

سید کمال شریفی، نرگس اسکویی\*، عزیز حاجی کهجوق

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۲۰۳-۲۲۲

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۶۰

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

### چکیده:

**زمینه و هدف:** تذکره‌المعاصرین حزین بجهت ویژگیهای منحصر بفردش، اثری ممتاز بشمار می‌آید؛ حزین در این تذکره، دیدگاه‌های انتقادی خود در زمینه شعر و شاعری (نقد ادبی) و نیز تحلیل‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را عرضه میکند؛ بدین ترتیب این اثر، علاوه بر اینکه منبع ارزشمندی برای پژوهش‌های تاریخی، فرهنگی، ادبی و ... محسوب میشود، بجهت محتوا و انعکاس سازوکارهای اندیشگانی مؤلف در بافت خاص اجتماعی - فرهنگی، مجال تحلیل گفتمانی متن را برای پژوهندگان فراهم آورده است. مسئله اصلی این تحقیق، کنکاش در لایه‌های سبکی کتاب تذکره المعاصرین نوشته حزین لاهیجی، بمنظور بازنمایی و تحلیل ایدئولوژی مستور در زیرساختهای زبانی و ادبی این متن است.

**روش مطالعه:** این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و استدلالی انجام شده است. **یافته‌ها:** حزین لاهیجی در نقل واقعیات عصر خود و نحوه زیست و شاعرانگی شعری مذکور در این تذکره، پایبندی بسیاری به باورهای اخلاقی، فرهنگی و بیش از همه انتقادی-ادبی خود نشان میدهد و با انتخاب گفتمان تک‌صدایی، هیچ سستی و تردیدی در داوریهای شخصی و قضاوت در اوضاع و احوال و دانش و سیرت شاعران نمینماید.

**نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق شامل این اطلاعات است: در لایه ایدئولوژیکی، نویسنده در ضمن بازگویی تاریخ، بصراحت و با تعصب از قضاوتهای شخصی خود در باب مهارتهای هنری و شعری شاعران و خصایص اخلاقی آنان سخن میگوید. در لایه واژگانی غلبه با شاخصهای اسمی و مکانی شیعی است که بر گرایشهای عقیدتی نویسنده تأکید دارد، فراوانی رمزگان اخلاقی در مقایسه با رمزگانهای ادبی و مذهبی، جایگاه اخلاق را در مؤلفه‌های گفتمانی نویسنده بسیار برجسته نموده است. در لایه نحوی، نویسنده با استفاده از جملات ساده و گسسته، صدای دستوری فعال، وجهیت قاطع اخباری، با صراحت و قطعیت از مؤلفه‌های اندیشگانی و انتقادی خود جانبداری نموده است. در لایه بلاغی، کثرت کاربرد ابزارهای بلاغی کمتر در خدمت ایدئولوژی و بیشتر در جهت تقویت زیب و زیور بیانی است. در لایه کاربردشناسی، نویسنده با کنشگری بیانی بدون بهره‌گیری از فرانتشهای ارتباطی و تعاملی، با گفتمان تک‌صدایی، منظوره‌های ایضاحی و اعلانی خود را محقق ساخته است.

تاریخ دریافت: ۲۴ تیر ۱۴۰۰  
تاریخ داوری: ۲۳ مرداد ۱۴۰۰  
تاریخ اصلاح: ۰۵ شهریور ۱۴۰۰  
تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۴۰۰

### کلمات کلیدی:

تذکره‌نویسی، دوره بازگشت ادبی،  
تذکره‌المعاصرین حزین لاهیجی،  
سبک‌شناسی انتقادی، لایه‌های سبکی.

\* نویسنده مسئول:

[n.oskooi@bonabiau.ac.ir](mailto:n.oskooi@bonabiau.ac.ir)

۳۷۷۳۸۸۹۳ (۴۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analyzing the ideological discourse of the contemporary identity with a critical stylistic approach

S.K. Sharifi, N. Oskooi\*, A. Hajjaji Kohjoogh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۵ July ۲۰۲۱  
 Reviewed: ۱۴ August ۲۰۲۱  
 Revised: ۲۷ August ۲۰۲۱  
 Accepted: ۱۸ October ۲۰۲۱

KEYWORDS

Biography, Literary Return, Literary Identity of Sad Lahiji, Critical Stylistics, Layers of Style.

\*Corresponding Author

✉ [n.oskooi@bonabiau.ac.ir](mailto:n.oskooi@bonabiau.ac.ir)

☎ (+۹۸ ۴۱) ۳۷۳۸۸۹۳

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** The memoir of the sad contemporaries is considered a distinguished work due to its unique features; In this memoir, Hazin presents his critical views on poetry and literary criticism, as well as his political, cultural and social analyzes; Thus, this work, in addition to being a valuable source for historical, cultural, literary, etc. research, has provided the opportunity for researchers to analyze the discourse of the text in order to contain and reflect the author's thought mechanisms in a specific socio-cultural context. The main issue of this research is to explore the stylistic layers of the book *Tazkereh al-Moaserin* written by Hazin Lahiji in order to represent and analyze the hidden ideology in the linguistic and literary infrastructures of this text.

**METHODOLOGY:** This research was conducted using descriptive, analytical and reasoning methods.

**FINDINGS:** Hazin Lahiji, in narrating the realities of his time and the way of life and poetry of the poets mentioned in this memoir, shows great adherence to his moral, cultural and, above all, critical-literary beliefs. And it does not judge the situation, knowledge and character of poets.

**CONCLUSION:** The results of the research include this information: In the ideological layer, the author, while retelling the history, speaks openly and with prejudice about his personal judgments about the artistic and poetic skills of the poets and their moral characteristics. In terms of domination with Shiite nominal and spatial indicators, which emphasizes the author's ideological tendencies, the abundance of moral codes in comparison with literary and religious codes has highlighted the place of morality in the author's discourse components. In the syntactic layer, the author has explicitly and definitively sided with his thought and critical components by using simple and discrete sentences, active grammatical sound, and decisive news. At the rhetorical level, the multiplicity of use of rhetorical tools is less in the service of ideology and more in order to strengthen the beauty and expression of expression. At the level of pragmatics, the author has achieved his explicit and declarative purposes through expressive activity without utilizing communication and interactive paradigms, with monophonic discourse.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۶۶۶](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.767)

| NUMBER OF REFERENCES  | NUMBER OF TABLES   | NUMBER OF FIGURES  |
|---|--|--|
| <br>۱۸ | <br>۲ | <br>۶ |

## مقدمه

تذکره‌های ادبی یکی از مهمترین منابع پژوهشی در حوزه زبان و ادبیات فارسی و حتی مباحث اجتماعی و تاریخی هستند که ساختی دستورمند دارند. از آنجاکه تذکره‌ها ساختاری زنجیره‌ای دارند، بسیار متکی به نمونه‌های پیش از خود هستند. تذکره‌های ادبی فارسی از سنت اخبارنگاری و معجم‌نویسی و نوشته‌هایی مانند طبقات و انساب در علم و ادب عربی - اسلامی ریشه گرفته‌اند (تذکره‌نویسی فارسی، قربانی زرین: صص ۷۷۴-۷۷۸)، اما کمال این آثار، نتیجه بالیدن در فرهنگ ادبی فارسی است. ژرف‌نگری در فهرست تذکره‌های فارسی در طول حدود هشت قرن، از *مناقب الشعرا* در اوایل قرن ششم هجری تا دوره قاجار، روند افزایشی و تحولی جریان تذکره‌نویسی را نشان میدهد (تذکره، اصیل: ص ۳۲۹). از زمان صفویان تذکره‌نویسی در کنار سایر اشکال تاریخ‌نویسی اهمیت بسیاری یافت و تبدیل به یکی از گونه‌های مهم نثرنویسی فارسی گشت؛ بطوریکه به بازار پیکار و رقابتهای تند تبدیل شد. جریان شکوفایی و دگردیسی تذکره‌نویسی فارسی در دوره بازگشت ادبی نیز تداوم یافت و با بروز و ظهور اندیشه‌های انتقادی مؤلفان آن، تبدیل به محک و معیاری برای ارزیابی سخن و صحنه نقد ادبی فارسی شد. از میان دویست تذکره فارسی در دوره بازگشت ادبی، تذکره‌المعاصرین حزین اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات تاریخی و ادبی مییابد، بگونه‌ای که اغلب پژوهشگران عرصه نقد ادبی دوره صفویه، این تذکره و نظریات انتقادی حزین را در ادب سبک هندی و دوره بازگشت ادبی حائز اهمیت بسیار و نیز جریان‌ساز در تحولات ادبی بشمار آورده‌اند. این تذکره شامل شرح حال یک‌صد تن از شاعران نیمه اول قرن دوازدهم، تصویری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر انحطاط صفویان ارائه میدهد. این تذکره، که در احوال شاعران اواخر سبک هندی است، ضمن تصویر افول این جریان در اواخر عصر صفوی با شرح زمینه زیستی، وضع زندگی و بویژه مرگ آنان، که گاه بشکل شهادت در گیرودار مبارزه با مهاجمان به میهن اتفاق می‌افتد، تصویری ارزشمند از نحوه تغییر وضع اجتماعی - سیاسی و تأثیر آن بر تحول مبانی ادبی و فرهنگی بدست میدهد و در واقع شرح حال کسانی است که در روزگار انحطاط و فروپاشی سبک هندی مشغول طبع‌آزمایی بوده‌اند (حزین لاهیجی شاعری در کشاکش گفتمانها، محمودی نوسر و رضوانیان: ص ۱۵۶).

تذکره‌المعاصرین حاصل تأثیر فضای گفتمانی بر روان شاعر است که نوشتن را بعنوان ابزار ایجاد آرامش و سکون روانی از یک سو و برجای گذاشتن یادگاری از خود و معاصرانش از سوی دیگر بکار می‌گیرد: «و پوشیده نماند که نگارش این صحیفه، هنگامی از خامه سرزد که حواس آشفته‌تر از اوراق خزانی و هوش پریده‌تر از رنگ گل زمستانی بود؛ خواست که به بهانه فسانه خاطر را به مشغله دارد تا گرانباری الم، روی در سبکی دارد» (تذکره‌المعاصرین، حزین: ص ۹۵). نویسنده در این اثر از نثری دوگانه بهره میبرد. این متن شامل دو بخش است که در یکی به «ذکر علمای معاصر که به انشای شعر زبان بلیغ بیان گشوده» (همان: ص ۱۰) میپردازد و در بخش بعدی به «ذکر شعرای معاصر» (همان: ص ۴۶). در مقدمه و شرح حال علما از زبانی بینابین بهره میگیرد. واژگان و عبارات بخش نخست، اندکی دشوارتر، تشبیه و استعاره و ... بیشتر و شامل لغات و عبارات عربی در لابلای متن است. ولی بخش دوم کتاب نسبتاً ساده و به نثر بازگشت نزدیکتر است.

متون تاریخی بازتابی از گفتمان زمانه مؤلف در نظام فکری و نوشتاری اوست و اگر بپذیریم که تحلیل گفتمان یعنی درک و دریافت آنچه در متن ذکر نشده از طریق کنکاش در عینیت‌های زبانی متن، آنگاه به لزوم نگرش انتقادی به متون تاریخی برای کشف معانی و ایدئولوژی مستور در کلام مورخ پی خواهیم برد و این همان طریقی است که

سبک‌شناسی انتقادی در پی آن است. «در سبک‌شناسی انتقادی هدف از مطالعه ویژگی‌های سبکی متن، آشکار کردن فرایندهای ایدئولوژیکی پنهان در متون است» (دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مکاریک: صص ۴۲-۴۳). تحلیل‌گفتمان انتقادی، که هدف عمده آن تحلیل و ارزیابی متن براساس سنجش شرایط و فضای تولید متن و معناست، امروزه به یاری تحقیقات سبک‌شناسی آمده است تا اطلاعات دقیقتری از تجزیه و تحلیل‌های سبکی در اختیار محقق قرار دهد. تذکره‌نامه‌ها فی‌نفسه منابع ارزشمند تحقیقات چندمنظوره در ابعاد تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و ... بشمار می‌آیند؛ از طرف دیگر شناخت این آثار، داده‌های بسیاری از شرایط تحول نثر فارسی معاصر را در اختیار پژوهش‌های ادبی قرار خواهد داد. اما آنگاه که مؤلف تذکره سازوکارهای اندیشگانی و زبانی را در پیوند با بافت فرهنگی و اجتماعی، عرصه ایراد و ارثه آرای انتقادی خود قرار می‌دهد، متن تبدیل به مجالی برای تحلیل‌های گفتمانی می‌گردد. یافتن نکات پنهان فکری در ژرف‌ساخت گفتمانی متن، منجر به شناخته‌های عمیقتری از متن خواهد شد که از طریق پژوهش‌های زبان‌شناسی و سبک‌شناسی مبتنی بر اصول زبان‌شناسی و تحلیل‌گفتمان تاریخی و فرهنگی متون میسر گشته و مسئله اصلی این تحقیق بر همین اساس شکل یافته است؛ هدف این پژوهش آن است که یکی از نمونه‌های نوع تذکره‌نامه‌نویسی یعنی کتاب تذکره‌المعاصرین لاهیجی را در لایه‌های مختلف متن تحلیل نماید. در این تحقیق از شیوه تحقیق ترکیبی (تحلیلی- توصیفی- استدلالی) بهره جسته‌ایم برای پاسخ دادن به سؤالات اصلی تحقیق:

- ۱- در لایه‌های سبکی متن تذکره حزین چه مختصات معناداری غلبه دارد؟
- ۲- مختصات سبکی شاخص در لایه‌های مختلف سبکی این متن چه پیوندی با عوامل فرامنتی (سیاست، قدرت، مذهب و فرهنگ) اثر دارد؟
- ۳- مختصات سبکی غالب متن در خدمت تبیین چه اهداف فکری است؟
- ۴- آیا سوگیری معناداری در گفتمان حاکم بر متن وجود دارد؟

### سابقه پژوهش

از جمله مهم‌ترین آثاری که به بررسی تذکره‌المعاصرین حزین پرداخته است، باید به کتاب «شاعری در هجوم منتقدان؛ نقد ادبی در سبک هندی: پیرامون شعر حزین لاهیجی» تألیف شفیع کدکنی (۱۳۹۰) اشاره کرد. مؤلف در این کتاب معتقد است شعر سبک هندی و جریانهای نقد ادبی آن، حرکتی در خلاف جهت هم دارند؛ شعر حرکتی رو به انحطاط و نقد ادبی حرکتی استعلائی. او حزین و تذکره‌اش را بعنوان یکی از مؤثرترین ناقدان ادبی این عهد معرفی می‌کند. قهرمان (۱۳۸۶) در مقاله «مروری بر تذکره‌المعاصرین حزین» ضمن مروری بر نسخه‌های خطی موجود از این تذکره، ایراداتی را بر تصحیح معصومه سالک بر تذکره حزین وارد ساخته و اغلاط آن را برشمرده است. ذوالفقاری (۱۳۸۱) در مقاله مندرج در دانشنامه جهان اسلام با عنوان «تذکره حزین» این اثر را با تکیه بر دو منبع پیش‌گفته معرفی مختصری نموده است. اثر مستقل دیگری که به تذکره حزین پرداخته باشد یا از جنبه سبک‌شناسی گفتمانی این متن را تحلیل نموده باشد، بدست نیامد.

### بحث و بررسی

#### سبک‌شناسی انتقادی

سبک‌شناسی انتقادی Critical stylistics اصطلاحی است برای اشاره به آن دسته از آثار سبک‌شناسی که

روشهایی را بررسی میکنند که در آنها مفاهیم اجتماعی از طریق زبان آشکار میشوند. زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی این گرایش سبک‌شناسی را بطور گسترده‌ای الهام بخشیدند و بر آن اثر گذاشتند (فرهنگ سبک‌شناسی، نورگارد و همکاران: ص ۲۶). «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی است که نحوه شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی در زبان و شیوه‌های بازنمایی آنها را تحلیل میکند. مفاهیم بنیادی سبک‌شناسی انتقادی عبارتند از: «سبک»، «گفتمان»، «نظریه انتقادی»، «ایدئولوژی» و «قدرت». این رویکرد از زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی متأثر شده است. زبان‌شناسی انتقادی را راجر فاولر و دیوید برچ زبان‌شناسان انگلیسی ارائه کردند. در ادامه راه، همکاران فاولر، رابرت هوج و گونر کرس در کتاب *نشانه‌شناسی اجتماعی و نیز تونی ترو* در کتاب *زبان و کنترل نشان دادند* (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۱۸۶).

این رویکرد سبک‌شناسی روشها و اصطلاحات تحلیل گفتمان را برای تبیین و توضیح کاربرد زبان ادبی به خدمت میگیرد. این نوع تحلیل مستقیماً تحت نفوذ اندیشه‌های فیلسوفانی مانند فوکو، سرل و روشهای کاربردشناسی زبان، تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متنی انجام میگیرد، بگونه‌ای که زمینه کار با ابزارهای این روشهای زبان‌شناسی را در بررسی متنهای کوتاه و بلند برای سبک‌شناسی فراهم کند. در اساس، سبک‌شناسی گفتمان عبارت است از کاربرد روشهای تحلیل گفتمان در بررسی متنهای ادبی. بنابراین فایده رویکرد تحلیل گفتمان این است که سبک‌شناس را قادر میسازد زبان را در قلمروی فراتر از جمله بررسی کند. در سبک‌شناسی تحلیل گفتمانی، مقولاتی فراتر از جمله مانند پیوستار معنایی، پیوستار دستوری، بافت، کنش‌گفتار، استنتاج معنایی، بطور منظم برای توضیح و تفسیر متن ادبی بکار میروند. دستیابی به این امر در سبک‌شناسی سنتی ممکن نبود؛ زیرا سبک‌شناسی سنتی کار خود را به واژه‌شناسی، زبان‌شناسی تاریخی، فقه‌اللغه و ساختارهای نحوی در سطح جمله محدود میکرد. تحلیل گفتمان که در واقع ادامه سبک‌شناسی با رویکرد تحلیل سخن در سطوح فراتر از جمله است، سخت با شیوه‌های سبک‌شناسی پیوند خورده و گفتگوها و سبک متن و زاویه دید را با الگوهای زبان‌شناسی به مطالعه میگیرد (همان: صص ۱۵۲ و ۱۵۳).

### بافت تاریخی و فرهنگی متن تذکره المعاصرین

تذکره المعاصرین حزین روایتگر یکی از پراشوبترین مواقع تاریخی ایران و حوادث آن است: زمانه فروپاشی یکی از مقتدرترین حکومت‌های ایرانی-اسلامی (شیعی)، یعنی حکومت صفویان و تحولات عظیم سیاسی و اجتماعی آن دوران. در این زمانه پراشوب فتنه‌خیز که حکومت مرکزی از هیچگونه اقتدار و انسجام و توان نظامی جهت ایستادگی مقابل دشمنان برخوردار نبوده، کشور ایران از هر جانب آماج حملات و نفوذ مهاجمان (عثمانیها از غرب و افغانه و ازبکها از شرق) بوده است. فساد سازمان حکومتی، جایگاه اوباش در مناصب دولتی، غارتگریهای حاکمان شهرها، ولخرجیهای هنگفت شاهان صفوی، مالیاتهای کمرشکن، سقوط بازرگانی خارجی و نظایر آن از دلایل مستقیم فروپاشی نظام حکومتی صفویه در زمان شاه سلطان حسین بود (شاه سلطان حسین صفوی تراژدی ناتوانی حکومت، احمدپناهی: ص ۱۳۶). هرچندکه زمینه‌های سقوط صفویه در زمان شاه عباس یکم پایه‌ریزی شد، شاه سلطان حسین مقصر اصلی سقوط این سلسله است؛ چراکه ضعف‌نفس و بی‌اعتنایی او به امور کشوری و لشکری باعث درهم ریختن اوضاع ایران در آن زمان شد. حتی زمانی که افغانها اصفهان را محاصره کردند و هنوز امکان خروج از شهر وجود داشت، او حاضر به ترک شهر برای گردآوری نیرو نشد و آخرین فرصت طلایی را از دست داد (تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، غفاری‌فرد: ص ۲۷۴). بدون تردید،

تحولات سیاسی و نظامی آثاری زود هنگام دارد، اما تأثیرات خود را بتدریج و آرام‌آرام بر زبان، ادبیات و فرهنگ می‌گذارد. بهمین جهت به موازات بررسی حیات فکری یک دوره تاریخی، لزوم توجه به حیات سیاسی آن دوره ضروری است. از روزی که شاه سلطان حسین (۱۲ محرم سال ۱۱۳۵ق) به اردوگاه محمود افغان که در فرح‌آباد بود رفت و تاج بر سر او نهاد، تا ۲۴ ربیع الثانی سال ۱۱۴۲ قمری که نادرشاه افشار وارد اصفهان شد و اشرف افغان را متواری ساخت، هفت سال گذشت. در این مدت اوضاع ایران بحدی آشفته شد که ارباب دانش و فرهنگ مجالی برای ابراز هنر خویش پیدا نکردند. اکثر آنان از دم تیغ نابکاران گذرانده شده و به قتل رسیده بودند. عده‌ای هم برای حفظ جان خویش هر شب را در سرایی و هر روز را در جایگاهی بسر می‌آوردند تا از بد حادثه لحظه‌ای بیاسایند. برای شرح آنچه در این دوران بر اصفهان گذشت، واژه «انحطاط» واژه بسیار ملایمی است. سفیر عثمانی وضعیت دوران محاصره را چنین گزارش می‌دهد: «بسیاری از مردم اصفهان بر اثر گرسنگی در خیابانها مردند، شهری که مردم آن دائماً در این دلهره بسر می‌برند که کسی آنها را از خانه‌هایشان بیرون بکشد و بقتل برساند» (انقراض سلسله صفویه، لکهارت: ص ۳۴۹ و سفرنامه، کروسینسکی: ص ۶۵).

ادبیات ایران در این مرحله از تاریخ پیداست که احوال چندان خوشی نمیتوانسته داشته باشد. اگرچه سرآغاز این ناخوشی احوال ادبی را پژوهشگران از پیدایی عهد صفوی میدانند و غالباً از آن به ادبیات دوره انحطاط و رکود تعبیر میکنند (تذکره آذر، آذر بیگدلی: ص ۴۱۶؛ مجمع‌الفصحا، هدایت، ج ۱: ص ۱۰) ولی بدیهی است که سقوط حکومت صفویه بر وخامت اوضاع فرهنگی و ادبی افزوده باشد. مطابق دیدگاه منتقدان ادبیات دوره صفویه، عواملی نظیر بی‌توجهی پادشاهان صفوی به زبان فارسی و ادبیات آن، مهاجرت بسیاری از شاعران به هندوستان و محیط و فرهنگ شاعرپرور دربار گورکانیان هند، توجه به جنبه‌های صوری و خیالی شعر، عمومی شدن شعر و رواج آن بین مردم عامی و کم‌سواد، گرایش مشاغل مختلف - بی‌ارتباط با فضاهای ادبی و فرهنگی - به شعر (عطار و بقال و قصاب و امثال آن)، ضعف اندیشه‌های صوفیانه و عرفانی - که زمانی عامل استعلائی شعر فارسی بود - را بایستی از دلایل فتور ادبی این دوره بشمار آورد (همانجا و عرفان و ادب در عصر صفوی، تمیم‌داری: ص ۱۱۷).

### شیوه تاریخ‌نگاری و اندیشه‌ورزی حزین لاهیجی

محمدعلی‌بن ابی طالب متخلص به حزین لاهیجی (۱۱۸۰-۱۱۰۳ق)، شاعر، مورخ و محقق ذوفن و مشهور قرن دوازدهم جزو افراد پرشماری است که در این دوره به نگارش تذکره اقدام نموده و اتفاقاً این اثر در میان دو بیست تذکره هم‌عصرش، اثری شاخص بشمار می‌آید. حزین ادیب و منتقد آخرین سالهای حکومت صفویه، همچون بسیاری دیگری از اقران خود، بجهت پاسداری شاعران و عالمان عصر پرآشوب خود و نیز برای نشان دادن دیدگاه‌های انتقادی خود در حوزه‌های متعدد اجتماعی و بویژه ادبیات، با دغدغه‌مندی و دلسوزانه نسبت به فرهنگ و ادبیات در بحبوبه روزگاری پرتنش، به نگارش تذکره روی می‌آورد. او نگارش این تذکره را در سال ۱۱۶۵ در هندوستان آغاز کرد و تاریخ تولد خود، سال ۱۱۰۳ را مبدأ این تاریخ‌نویسی نهاد.

تذکره حزین شرح احوال یک‌صد تن از عالمان و شاعران شیعی معاصر مؤلف را دربر می‌گیرد. حزین منتقد سرسخت شعر این دوره و از فعالان حوزه نقد ادبی این عصر بحساب می‌آید که دیدگاه‌های انتقادی بسیاری را در خصوص انحطاط نظم و نثر دوره انتهایی عصر صفویه و آغاز بازگشت ادبی مطرح می‌کند. با آنچه از بافت

اجتماعی و فرهنگی تولید این متن ذکر شد، تردیدی نمی‌ماند که حزین، بعنوان مؤلفی واقع‌گرا و روشنفکر، در آرای خود به بسیاری از مسائلی که در خصوص آن سخن می‌گوید نگرشی مایوس و منفی داشته باشد. بخش بزرگی از انگاره‌های بدبینانه حزین ناشی از اوضاع پرفتنه سیاسی سالهای پایانی حکومت صفوی است که شاهد آن و ناهنجاریهای پس از آن بوده است. حزین در این تذکره بر انحطاط شعر در روزگار خود تأسف می‌خورد و ابتذال مضامین شاعران مقلد و وفور متشاعران بی‌صلاحیت و رواج سرقت ادبی را محکوم می‌کند: «بر ارباب فهم و ذكاء و اصحاب علم و هدی روشن و هویدا است که اکثر مترسمان روزگار و منتسبان و متشبهان به دانشوران سخنگزار و برخود بستگان هر شعار و دثار، خاصه بعد از صدر اسلام که اواخر ظهور فتن آخرالزمان از ساغر دوران سرخوش زلال را کشیده‌اند و دُردی کدر تهنشین مانده از بوالهوسی و هیچ‌کسی به اندیشه طبع فاسد به فکر ترویج کالای کاسد خود افتاده و از هر که نامی می‌شنوند و از هر صنعت که نشانی بینند، با محوضت عدم مناسبت و فقدان بصیرت و استطاعت به آن آویزند و برخود بندند؛ چنان دلیر که مگر پیشه‌ورزیده و شیوه‌آموخته دیرینه است» (تذکره‌المعاصرین، حزین: ص ۹۱). انتقادات نیشدار او همچنین متوجه تذکره‌نویسانی است که نقاط ضعف آنان را بی‌دانشی، عدم تحقیق و ممارست در دستیابی به آگاهیهای تاریخی، تحریف حقایق، نداشتن استعداد نقد و هرزه‌رایی میدانند. نقد تند او دامن تذکره‌نویسی این اعصار را نیز گرفته است و در خصوص بی‌دانشی، عدم مطالعه، سرسری‌نگاری و سرقات موجود در تذکره‌های معاصرانش مینویسد: «نهایت جهد این گروه از دفترها التقاط به الفاظ و حروف است که به آن مشعوفند. و اقصی غایت همت اینان ابتذال مقال است که به آن مألوفند و کاش آن بودی که بی تصرف انتحال کردندی. لیکن تا مسخ نکنند انتساخ نمایند. و اکثر با هم یاور شده به معاونت یکدیگر راه پیمایش تاریخ و سیر و نگارش تذکره واگیرند به گمان آنکه چون قصه‌خوانی است، آسان میسر است. غافل از اینکه هر چند افسانه‌سنجی است اما موقوف است به بضاعتی و تحقیق حکایتی و معرفت هر روایتی و صدق مقالتی و جودت قریحتی و صفای طوبیتی الی غیر ذالک من اشراط لازمه. بعضی تذکره‌ها که این عوام به اغراض فاسده که اشارت رفت ترتیب داده‌اند، حیرت‌زاری است عاقل را. چه قطع نظر از رکاکت عبارات و ژاژ‌خوایی منشآت مشحون است به اکذوبات و خرافات و مملو است از اشتباهات و لاطائلات. کسانی را که نشناسند و اصلاً معرفتی به آنان نداشته‌اند ورق ورق احوال نویسند و جمعی که هرگز یک بیت نگفته‌اند، اشعار دیگران را در کار ایشان کنند و کلام گویندگان تخلیط نموده، سخن دیگر به دیگری نسبت دهند. آنجا که نباید و نشاید صفحه صفحه ستایش و القاب و نعوت نگارند و جایی که بایسته و شایسته است به تحقیر نام و تنزیل مقام آرند. خطابات افاضل و اشراف به کار جمریان و عوانان کنند و القاب اینان به اشراف و اعلام اطلاق نمایند. هر چه را از جایی وانویسند چون قدرت بر تصحیح نیست هر تحریف و هر سقط و غلط که در نسخ افتاده باشد همه را بکار برند و صواب شمارند» (همان: صص ۹۲-۹۱).

حزین در مقدمه تذکره‌اش، از نحوه گزینش شاعران مذکور در این اثر مینویسد: «اگر خواستی که اختصار به ذکر کاملان معاصر نماید، هرآینه معدودی قلیل بودی که حاجت به تفصیل نیفتادی، لاجرم به ذکر بعضی از متوسطان نیز... عنان ادهم قلم معطوف نمود... از کسی که در مدت عمر سه چهار بیت یا صد و دو، صد بیت سر زده باشد، هر چند شایسته بود، شاعر نشود و در سلک این صنف معدود نگردد. لهذا از ذکر این قسم مردم اعراض مینماید» (همان: صص ۹۴-۹۵). در این اثر ارزشمند تاریخی، جدای از آگاهیهای بسیار از شرح حال عالمان و شاعران شیعی اواخر عهد صفوی، نگارنده از روزگار خود و ادبای همعصرش و نحوه زیست و گذران معیشت و سرانجامشان نیز مینویسد.

یکی از علاقه‌مندی‌های اصلی نویسنده در تبیین تاریخ شاعران عهدش، تدقیق و قضاوت در محسنات و یا رذایل اخلاقی اشخاص است؛ اما انصافاً در باب گرایش‌های مذهبی و عقیدتی اشخاص چیزی نمی‌گوید و تنها به عملکرد و رفتار آنان اشاره می‌کند. اهمیت آنچه حزین در تذکره‌المعاصرین ذکر می‌کند در این است که او خود همه کسان را که تاریخ زندگی ادیبان را مینویسد، از نزدیک میشناخته و به گفته خود با آنان مؤانست و مجالست دیرینه داشته است؛ همین امر باعث شده است که مؤلف علاوه بر ذکر اطلاعات نسب‌شناسی و نقد ادبی درخصوص شعرای معاصرش، از اخلاق و نحوه سلوک و مماشات آنان نیز سخن بگوید و بدین ترتیب دیدگاه‌هایی تربیتی و بعضاً روان‌شناسی در خلال تاریخ‌نگاری حزین آمده است.

حزین اظهارنظر در باب قابلیت‌ها، مهارت‌ها، صنعتها (هنر و توانایی‌های شاعری) یا عدم کفایت شاعران عهد خود را اغلب با صراحت و قطعیت و همراه با دیدگاه استدلالی در ذکر علل و ریشه‌ی معایب اعلام می‌کند؛ همچنانکه در مثالی که در پی می‌آید، بی‌دانشی و ابهام را سرچشمه فساد شعر شاعر منظورش عنوان نموده است: «چون از سرمایه دانش عاری است و صنعت ابهام را بجد گرفته، گاهی بلکه اکثر سخنش با وجود تناسب الفاظ، سبک و خام می‌فتد» (همان: ص ۱۷۵)؛ آنچه در این نقدهای کوتاه و صریح بیشتر بچشم می‌آید، دقت نظر مؤلف، اقتدار گفتمانی و ایجاز موجود در کلام است، بگونه‌ای که در طی یکی دو عبارت، هم به عیوب و هم به محاسن زبانی و ادبی (مثل تناسب الفاظ در نمونه فوق) یا فکری شعر یک شاعر می‌پردازد و از حاشیه‌روی می‌پرهیزد. اما بعضاً هم نقدهای خود را در مجرای عبارات کنایی، با کلی‌گویی و یا پوشیده در لفافه ادبیت ابراز می‌کند. در این جملات هم نویسنده اغلب ویژگی‌های منفی شاعر را در کنار یکی از محسنات او مینشانند تا اندکی از تلخی نقد کاسته باشد؛ طرز بیان حزین در چنین مواقعی رنگی از ذم شبیه به مدح می‌یابد:

«با آنکه عامی بود منظوماتش کتاب ضخیمی به نظر درآمد» (همان: ص ۲۱۰).

«به شاعری مشهور و عمری به آن پیشه مغرور و از امثال خود کمی نداشت؛ لیکن بلاغت و حلاوت سخن نصیبی است شگرف که هر کس را میسر نیاید و هر مرعکی انجیر نخاید» (همان: ص ۱۹۷).

اطلاعاتی که حزین درباره هر شاعری ارائه می‌کند شامل زمان تقریبی ولادت، اسم و القاب، اصل و خاندان، خاستگاه، علوم و مهارت‌ها، هنرها، شغل، نحوه وفات و مدفن، همراه با ذکر نمونه‌ای از اشعار شاعر مذکور می‌باشد. حزین در ذکر این اشعار ادعا می‌کند که آنچه را از شعر هر شاعری در حافظه مضبوط دارد، در تذکره‌اش آورده است. همچنین در نقد خود به لفظ، معنی، خیال‌بندی، یکدستی اشعار، نوع و قالب آن، وزن و قافیه و استحکام آن توجه داشته است.

حزین تذکره خود را در اواخر سال ۱۱۶۵، هنگام اقامتش در هندوستان و ظرف مدت نه روز نگاشته است. اتکای مؤلف بر حافظه و دسترسی نداشتن به منابع و اسناد معتبر، عمده‌ترین عیب این کتاب است. نثر تذکره حزین نسبت به تذکره‌های معاصرش از پختگی و ایجاز برخوردار است اما در نگارش بخش نخست (شرح حال ۲۰ تن از علما) و بخش دوم کتاب (شرح حال ۱۸۰ تن از شاعران) تفاوت عمده‌ای وجود دارد؛ نثر کتاب در بخش اول مصنوع، متکلف، فاضلانه و منشیانه است. بطوریکه گاهی درک و فهم مطالب دشوار می‌گردد. عبارات و مفردات عربی در این بخش زیاد بچشم می‌خورد: «حبذا سمو شأن و علو مکان که اوانی جمل و ظروف و سلم بیست و هشت پایه حروف، از احاطه عشری از معاشر و وصول اولین پایه مدارج عرش معراج هریک از این اشراف، تنک‌عرصه‌تر از دیده مور و نارسا‌تر از دماغ مخمور است» (همان: ص ۸۹).



با ورود لغات کهن و عربی، استفاده بسیار از آرایه‌های ادبی و صورتهای خیالی، استشهداد به ابیات فارسی و عربی و آیات قرآنی و احادیث که از لوازم فنی شدن نثر بشمار میرود، نثر این کتاب (در بخش مقدماتی) راه فنی شدن را درپیش میگیرد. اما در بخش دوم، عبارات ساده‌تر و ادیبانه‌تر و بیشتر شبیه نثر مرسل دوره‌های اولیه نثر فارسی است. هرچند که نثر حزین بلحاظ شیوه نگارش نثری ساده و روان است، با در نظر گرفتن بیان ادیبانه، پختگی و ایجاز این اثر، میتوان این اثر را در زمره نثر بینابین قرار داد.

### تحلیل انتقادی لایه‌های سبکی تذکره المعاصرین

زبان، توده‌ای از آواها و نشانه‌های درهم و برهم و بی‌نظم نیست؛ بلکه شبکه‌ای است نظام‌مند و درهم‌بافته از لایه‌ها و پیوندها. بنابراین هر پاره گفتار یا هر تکه از متن از خلال همکاری و پیوستگی چندین سطح متمایز زبانی، سازمان‌دهی میشود. سطوح و واحدهای تحلیل در زبان که میتواند بررسی سبک‌شناسانه را سازمان‌دهی کند عبارتند از: لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی، لایه کاربردشناسی و لایه ایدئولوژیکی. دانش زبان‌شناسی هر یک از این لایه‌ها را با روشها و ابزارهای ویژه‌ای بررسی میکند؛ در ادامه به تحلیل لایه‌های سبکی تذکره المعاصرین پرداخته‌ایم.

### تحلیل لایه واژگانی تذکره المعاصرین

لایه واژگانی یکی از لایه‌های بنیادین در شکل‌گیری یک اثر ادبی بشمار می‌آید، زیرا در شاکله سبک فردی نقش بسزایی را ایفا میکنند. در این سطح بررسی کوچکترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آنها، اتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دالها و نشانه‌ها و مانند آن انجام میگیرد. بررسی این سطح از سبک به کمک دانش تکواژشناسی (علم صرف) امکان‌پذیر است. کلمه‌ای که موضوع مورد نظر خود را هدف قرار داده است، قدم به محیط کلمات، ارزش‌گذارها و تکیه‌های بیگانه‌ای میگذارد که بلحاظ مکالمه‌ای آشفتگی و پرتنش است. کلمه مزبور گاه به درون روابط متقابل پیچیده‌ای جذب میشود و گاه از این روابط رانده میشود، با برخی می‌آمیزد و از پاره‌های دیگر میگریزد و از میان گروه دیگری نیز میگذرد. تمامی این امور ممکن است اثری حیاتی در شکل‌گیری گفتمان داشته باشند، در تمامی لایه‌های معناشناسی آن از خود ردپایی باقی گذارند، ترجمان آن را پیچیده سازند و کل وضعیت سبک‌شناسی آن را تحت تأثیر قرار دهند. بخشی از این نمودها در واژگان و ترکیبات متن پیداست؛ به عبارتی «واژه‌ها علاوه بر رسالت ارتباطی‌ای که بر دوش میکشند، محمل انگاره‌ها و فضاهای ذهنی خالق خویشند و هیچگاه نباید از بار عاطفی آنها غافل بود» (کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر، دلبری و مهری: ص ۶۷). «در پدیدارشناسی، ذهن انسان مرکز و اساس همه معانی است. تفسیر متن هنگامی امکان‌پذیر است که متن اجازه دستیابی مخاطب را به آگاهی نویسنده میدهد» (فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، مقدادی: صص ۱۷-۱۸). «بسیاری سبک را هنر واژه‌نویسی میدانند و در کار شناخت سبکها بیش از هر چیز چشم بر واژگان دوخته‌اند. این نگرش گاه چندان بی‌پایه نیست؛ زیرا واژه هم شناسنامه‌دارتر از دیگر سازه‌های زبان است و هم چونان انسان، زنده و پویاست» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۴۹). در مطالعه لایه واژگانی مؤلفه‌هایی از قبیل واژگان حسی و انتزاعی، عموم و خصوص، رمزگان، شاخص، و...

بررسی میشوند.

**واژگان نشانه‌دار**

وجود معانی ضمنی و تداعیهای مثبت و منفی در واژه‌های نشاندار سبب میشود که این واژه‌ها در بردارنده دیدگاه و نگرش مشخص و تلقی ایدئولوژیک باشند؛ از این رو نشانه‌داری، بیان‌کننده رابطه بینافردی در کلام است و سطوح سبکی را بیان میکند. میزان استفاده از لغات بی‌نشان و نشان‌دار میتواند معیار روشنی برای شناسایی سبک، انعکاس فردیت، دیدگاه روایی و تعیین میزان دخالت نویسنده در یک متن یا بی‌طرفی وی باشد. این دسته از واژه‌ها، علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، در بردارنده معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند. «نوع رمزگان در لایه واژگانی و نقش آن رمزگان در متن، میزان وابستگی و دل‌سپردگی نویسنده به گفتمانهای مسلط و نسبت او با ایدئولوژیها و نهادهای قدرت را مشخص میکند. البته گاه بیان هنری سخنور در حدی است که تن به سلطه گفتمانهای اقتدارگر نمیدهد» (همان: ص ۲۶۰).

### رمزگان

«رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است، هر رمزگان نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم میکند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. زبان بزرگترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگانهای دیگر از جمله رمزگانهای آداب، پوشاک، غذا، اطوار، اشارات، نظامهای حرکتی و غیره بواسطه زبان قابل توصیف است» (نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی: ص ۱۵۰). برای معنی‌دار کردن جستجوی رمزگان در متن تذکره حزین، رمزگان این کتاب را در شش شاخه به ترتیب زیر جستیم:

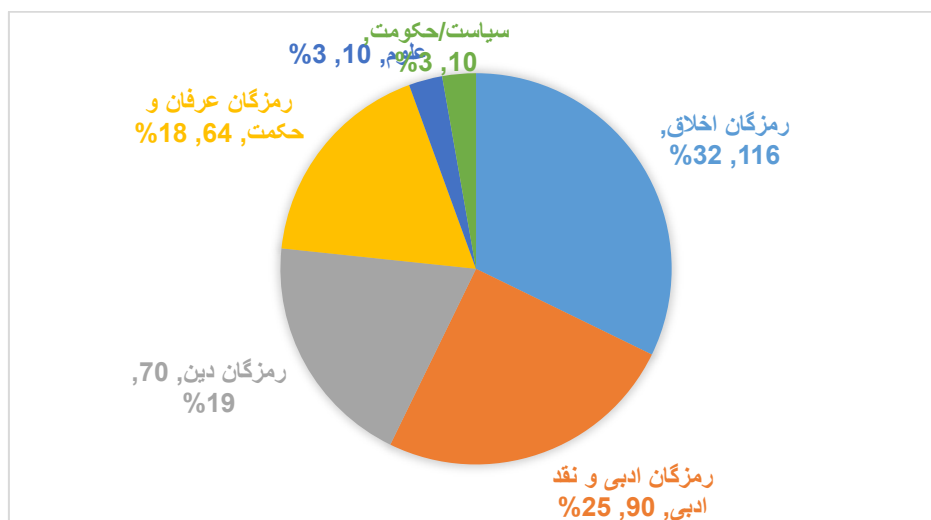
#### جدول شماره ۱- رمزگان کاربردی در تذکره المعاصرین

| ادبیات و نقد ادبی   | اخلاق  | دین   | حکومت/سیاست                                 | عرفان و حکمت   | علوم   |
|---|--|---|---|--|--|
| طبع زیبا، سلیقه، شعر، ذوق، طبع، معنیات، دقایق سخن، لفظ، معنی، دانشوری، قصاید، طرز شاعری، تاریخ‌گویی، مضامین تازه، مثنوی، قصیده، نکته‌سنجی، ترکی، سخن‌شناسی، سخن‌فهمی، منتقبت، شعر یکدست، تشبیه (تقلید)، شعرفهمی، ذکا، استقامت سلیقه، طبع مشکل‌پسند، رنگینی صحبت، ابیات سنجیده و غرأ | نازکدل، وارسته، رأفت، آداب حمیده، اخلاق پسندیده، حسن معاشرت، سبک‌روح، گرانجان، نیکوخصال، باکمال، مردمی، معدلت‌شعار، سنجیدگی، مروّت، صافی طویّت، حمیده‌خصال، فضایل، کمالات، صداقت، عزّت، صاحب‌همت، بلندفطرت، سخاوت، شجاعت، فتوّت، غیرت، نیکوسیرت، خوش‌اخلاق، آرمیده، سبک‌روح، محفل‌آرای | تقوی، عبادت، تقوی‌شعار، عابد، فرشته‌خصال، شهادت | استیفا، مهمّات دیوانی، خدمات سلطانی، مالیات | ریاضت، انزوا، قناعت، عارف‌رئانی، مولانا، معتکف، اعتکاف | علوم، سیاق، طب، متداولات علوم، حکمیات، حساب، نجوم، کیمیاگری، هیات و اصطراب |

تحلیل رمزگان کاربردی در لایه واژگانی تذکره المعاصرین، نمایان‌گر گرایش به ایدئولوژی مذهبی و اخلاق‌گرایی است؛ گزینش غالب مؤلف از دایره کلمات و کاربرد آن در متن، همان‌گونه که در جدول نیز مشخص است،

جهت‌گیری معناداری بسمت انگاره‌های اخلاقی دارد. در این گفتمان مؤلف بدون بکارگیری کنشهای تعلیمی و ترغیبی نظیر اندرزدهی و یا امر به معروف، با اشاره به خلق و خوی و سیرت و منش و رفتار و کردار شاعران، نشان میدهد که مؤلفه‌های اخلاقی در بینش ایدئولوژیکی او در رتبه نخست مفاهیم ارزشی و انسانی جای دارد. پس از رمزگان اخلاقی، رمزگان مربوط به حوزه ادبیات و نقد ادبی در رتبه دوم انواع رمزگان پرکاربرد این متن قرار میگیرد. این رمزگان، اطلاعات ذی‌قیمتی از نظریه‌های مربوط به نقد شعر در این دوره در اختیار مخاطب قرار میدهد. رمزگان حوزه نقد ادبی در این کتاب را، که حاوی اصلیت‌ترین گفتمان انتقادی متن است، میتوان در این چند بخش طبقه‌بندی نمود:

۱. استعداد شعر و شاعری (ذوق، طبع، سلیقه، شغرفهمی، سخن‌شناسی، شعور شعری)؛ ۲- دانش ادبی و تربیت‌یافتگی در این علوم (لغت، موسیقی شعر، قوالب شعری)؛ ۳- تمرین و ممارست در عرصه شعر و هنر؛ ۴- توجه پایاپای به لفظ و معنی؛ ۵- مضمون‌سازی و خلاقیت هنری ۶- یک‌دستی، سنجیدگی و پختگی کلام (عبارات کلی‌گو در حوزه نقد ادبی)؛ ۶- توجه به تفننهای شعری رایج در این عهد نظیر معما و ماده‌تاریخ. رمزگان مذهبی و عرفانی در درجات پایینتر نسبت به دو رمزگان پیش‌گفته قرار دارند و این رتبه نشان میدهد این دو حوزه جزو اولویتهای نخستین گفتمانی و ایدئولوژیکی نویسندگان در تاریخ‌نگاری نبوده است.



نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی انواع رمزگان در تذکره المعاصرین

### شاخص

شاخص «صورتی از ارجاع است که وابسته به بافت گوینده است؛ اصطلاحی است که از کلمه یونانی به معنی نشانه‌گذاری اخذ شده است و با استفاده از ابزارهای زبان‌شناسی برای تعیین محل و مکان‌یابی هویت در بافت مکان اجتماعی، مکانی-زمانی و گفتمانی استفاده میشود» (کلیدواژه‌های سبک‌شناسی، شیبانی اقدم: صص ۸۱-۸۲). شاخص همان القاب و عناوینی است که برای کلمات بکار گرفته میشود.

### جدول شماره ۲- انواع شاخصها در تذکره‌المعاصرین

| شاخص مکان  | شاخص زمان | شاخص شخص  |
|--|-----------|---|
| روضه رضویه (مشهد)، آستان ملائک پاسبان (مشهد، حرم امام رضا)، ارض اقدس (قم)، آستان (دربار صفویه) |           | سید نظام‌الدین احمد - سید علیخان - امیر صدرالدین محمد - امام اعلام - امیرالمؤمنین - محمد مسیح - حسین خوانساری - فخرالفضلا - شاه سلیمان - سلطان حسین - سائل - شیخ ابراهیم - ملا مراد - ابوعلی طبرسی - محمدامین ستاکی |

بررسی جدول شاخصها در متن تذکره‌المعاصرین نشان‌دهنده بالا بودن شاخص اسم، در شکل عناوین و القاب مذهبی - شیعی (سید، امام، میرزا، مشهدی، کربلایی...) و القاب مربوط به نگرشهای عرفانی و متصوفه است که در این روزگار از رونق زیادی برخوردار است. فراوانی شاخصهای اسمی از حوزه اعتقادی شیعی-عرفانی برای اشخاص - در این متن منبعث از انگاره‌های ایدئولوژیکی حاکم بر تفکر و متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی متن است. گزینش شاعران شیعی خود نشانه و تأکیدی بر سوگیری ایدئولوژیکی مؤلف و یکی از فرانشهای گفتمانی متن است. پس از شاخصهای اسمی، شاخصهای مکانی نیز گویای گفتمان ایدئولوژیکی حاکم بر فضای متن است؛ مؤلف در ذکر نام شهرهای مذهبی-زیارتی شیعیان نظیر مشهد و قم از توصیفات و تشبیهات تکریمی و تقدیسی بهره یافته است. اطلاعات دیگری که شاخصهای اسمی و مکانی در اختیار مینهد، وجود نگرش تکریمی و تعظیمی مؤلف به خاندان و دربار صفوی است. اگرچه خدمت دیوانی و درباری را در منافات با اخلاق آزادگان میشمارد و از آن شغل به «مذلت چاکری و لوث دنیاداری» یاد میکند (تذکره‌المعاصرین، حزین: ص ۲۲۴).

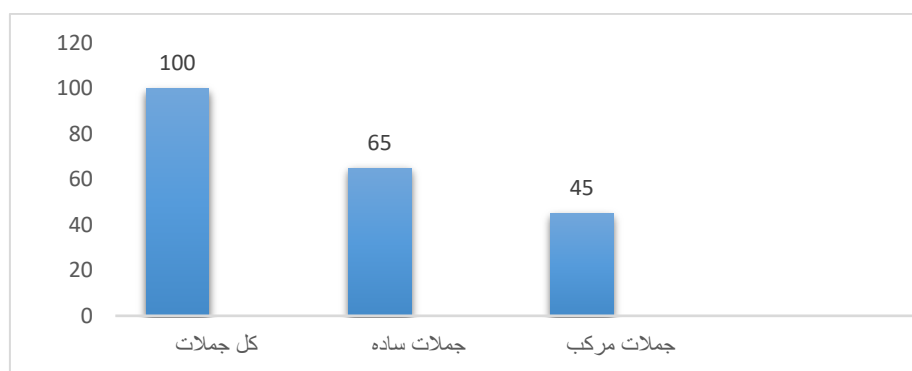
### تحلیل گفتمان ایدئولوژیکی در لایه نحوی تذکره‌المعاصرین

گذشته از واژگان یک متن، روابطی که بر نحو آن حاکم است، عقاید، باورها و ایدئولوژی صاحب اثر را بازتاب میدهد. منظور از بررسی نحوی، بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژگان و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان است. در این کاربرد نحو در برابر صرف (تکواژشناسی یا دانش ساخت واژه) قرار دارد. در برخی دیدگاه‌ها نحو از بررسی کیفیت چینش واژگان و رابطه آنها با دیگر عناصر جمله فراتر میرود و علاوه بر بررسی طول جمله‌ها در سطحی بالاتر به بررسی رابطه جمله‌ها با هم نیز میپردازد (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۶۹). در سطح نحوی، عناصر نحوی بارزی در متن مورد تحلیل قرار میگیرند؛ عناصری از قبیل لایه نحوی گسسته و پیوسته (وابسته)، ساده و مرکب بودن جملات، صدای نحوی فعال و منفعل، وجهیت، قطعیت و...

### جملات گسسته و پیوسته و جملات ساده و مرکب

«جمله بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد میتوان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد. زیرا طول

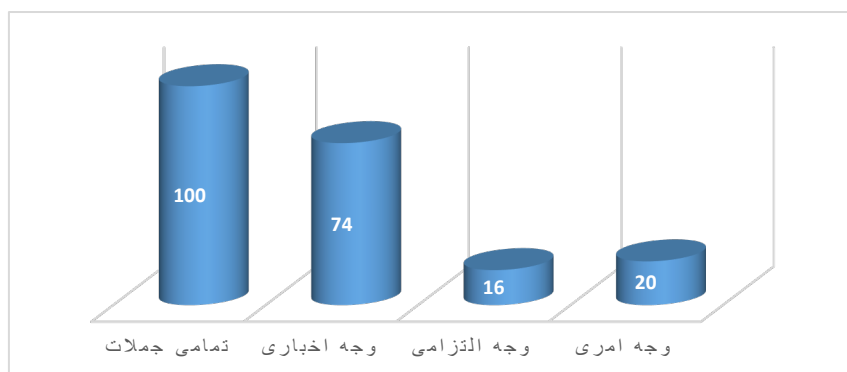
جملات نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (همان: ص ۲۷۵). در تذکره حزین از لحاظ کاربرد جملات ساده یا مرکب، شیوه یکدست و منسجم بچشم نمیخورد؛ چون نویسنده عملاً از دو نوع نثر دشوار و منشیانه و نیز ساده و مرسل استفاده کرده است و طول جملات نیز مناسب با سبک و نوع نثر دچار فراز و فرود میشود. اما در کلیت متن، جملات ساده و گسسته فراوانی بیشتری نسبت به جملات مرکب و پیوسته دارد. این امر از ایجاز و انسجام متنی و گفتمانی کلام منبعث است.



نمودار شماره ۲- توزیع فراوانی جملات ساده و مرکب در تذکره المعاصرین

### وجهیت

وجهیت ابزاری است که مؤلف با آن درجه تعهد و التزام و قاطعیت خود را به گزاره‌هایی که ایراد میکنند، نشان میدهد. وجهیت نحوی نشان میدهد که واکنش مؤلف در قبال پایبندی به واقعیت یک گزاره از چه نوع است: اعتماد و باور کامل، شک و تردید، تمنا و آرزو و یا تحکم و اجبار. وجه کلام در یک گفتمان قادر است نوع مناسبات قدرت و ایدئولوژی را بنمایش بگذارد. وجهیت کلام در ابعاد اخباری، التزامی، تمنایی، معرفتی و عاطفی قابل بررسی است (همان: صص ۲۸۴-۲۹۵). در متن تذکره حزین از جنبه وجهیت، غلبه کامل با وجه اخباری است یعنی همان وجهی که از التزام و باور کامل مؤلف به گزاره‌های گفتمانی شاخص وی در خصوص باورهای اخلاقی و فرهنگی و اندیشه‌های انتقادی در خصوص شعر و شاعری نشأت یافته است. وجه التزامی و امری در درجات بعدی وجهیت نحوی این کتاب قرار میگیرند:

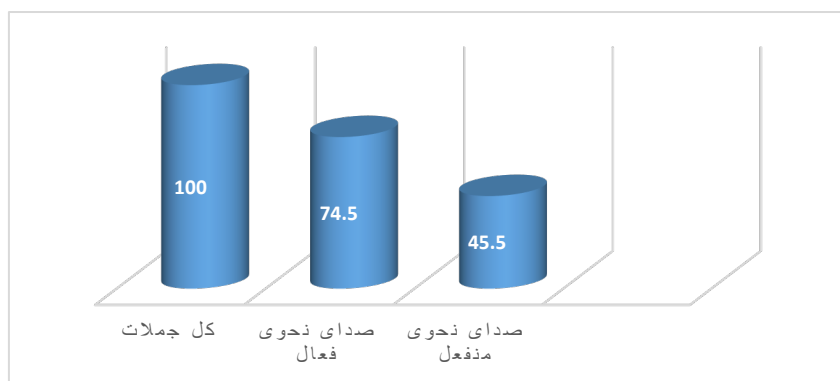


نمودار شماره ۳- توزیع وجهیت جملات در تذکره حزین

حزین در روایت حوادث و نقد آثار، وجه اخباری را هم برای افعال و هم در سطح جمله، بویژه قیود (لاجرم، دروقت...)، که نقش بسزایی در تعیین وجه جمله و متن دارند، برگزیده است؛ این امر ناظر بر قطعیت متن و تکیه مؤلف بر نظام باورهای خود است و از تأکید او بر امور مربوط به ارزش‌های ایدئولوژیکی (فرهنگی- ادبی) وی حکایت میکند.

### صدای دستوری

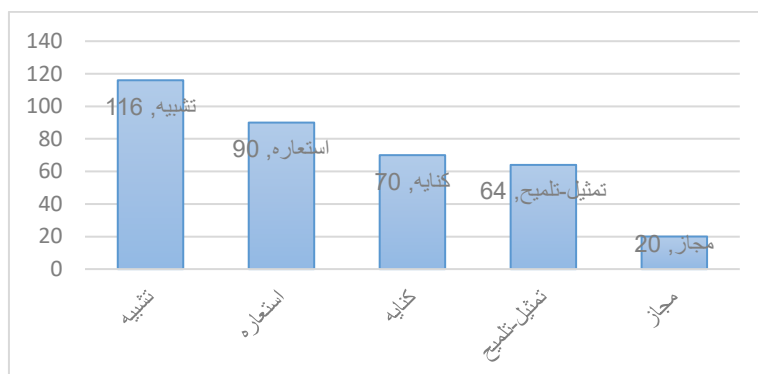
صدای دستوری یکی از بازتاب‌دهنده‌های اندیشه و ایدئولوژی در زبان و سبک متن است. صدای دستوری رابطه میان رخداد فعلی با سایر شرکت‌کنندگان در آن فرایند فعلی (فاعل، مفعول و...) را نشان می‌دهد. متنی که با فعل متعدی در جمله معلوم تولید میشود و فاعل، کننده کار است، صدای فعال دارد؛ اما جمله‌های مجهول با فعل‌های لازم و گذرا، جمله‌های اسمیه (با افعال ربطی مانند است، بود، شد، گشت و گردید)، جمله‌های بی فعل و شبه جمله، همگی صدایی منفعل و پذیرش‌گرند (همان: ص ۲۹۶). ذکر فاعل قاهر، که اغلب یکی از دو سویه موافق یا مخالف و منتقد گفتمانی، است و نیز حذف آن، به دو منظور مهم و ایدئولوژیکی انجام می‌یابد. هر آنگاه که فاعل تأثیرگذار بر مفعول ذکر میشود، نویسنده بدنبال قطعیت و جزمیت بیشتر گزاره‌های روایی خود است و همراه کردن نام فاعل با واژگان نشان‌دار و وجه اخباری، منظور او را در تقویت جانب خودی، و تحقیر و تضعیف سویه دیگری مخالف مقدور می‌سازد. حذف فاعل و نسبت دادن رویکرد روایت به اندامهای دیگر جمله، نظیر مفعول یا مسند نیز موجب حضور همه‌گیر اما در سایه قدرت خواهد بود که جنبه تقدس نیز بدان می‌بخشد. اما تذکره حزین، همراه با قطعیت و جزمیت متن و نیز شفافیت و صراحت موجود در واژگان، از صدای دستوری فعال بیشتر از صدای منفعل یاری گرفته است تا منظورهای ایدئولوژیکی خود را علنیتر سازد:



نمودار شماره ۴- توزیع فراوانی انواع صدای دستوری در تذکره‌المعاصرین

### تحلیل لایه بلاغی تذکره‌المعاصرین

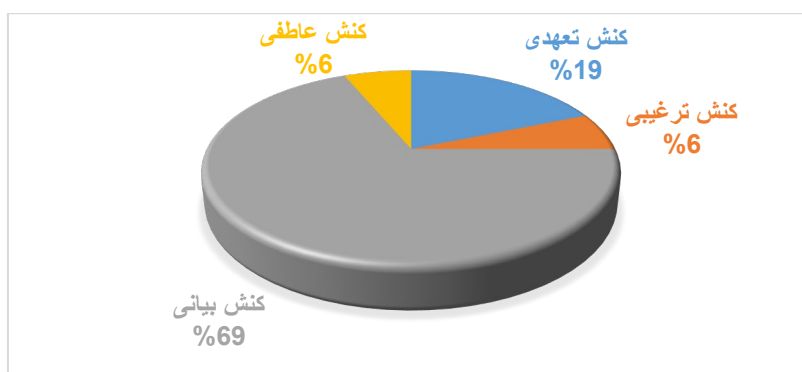
بلاغت بیش از آنکه به بازنمایی «چه چیز» بپردازد، به این توجه دارد که امور «چگونه» بازنمایی میشوند. اگر ایدئولوژی را محتوا بدانیم، صناعات بلاغی غالباً تابعی از محتوای متن هستند؛ اما همین صناعات با آنکه تابعند، عمیقاً در شکل دادن به واقعیات دخالت دارند. نویسنده ایدئولوژیست جهت تقویت معانی موردنظر خود، توجیه‌گری، استدلال و اقناع مخاطب با استفاده از صنایع بلاغی منظوره‌های ثانوی نظیر بزرگ‌نمایی، تحقیر، تخفیف، مبالغه، حسن تعبیر، کنایه، تهکم و امثال آن را در متن وارد میکند. در تذکره حزین، نویسنده علاوه بر منظوره‌های بلاغی و قدرت‌نمایی در وادی ترسل و نویسندگی، برای تحکیم مبانی فکری موردنظر خود، به فراوانی از ابزارهای زبانی-بلاغی استفاده میکند. این صناعات در کنار تقویت معانی فکری موجود در متن تاریخی، بر ادبیت متن تاریخی افزوده است و علی‌الخصوص کلام قاطع مؤلف در نقد شعر ضعیف و یا تمجید کلام سنجیده قوی را تقویت نموده است. در این متن، بیش از سایر ابزارهای بلاغی، از تشبیه استفاده شده است. یکی دیگر از منظوره‌های گفتمانی مؤلف در فراخوانی ابزارهای بلاغی در گزارشگری تاریخی، پیچیدن کلام انتقادی در پوششی از آراستگی و زیور ادبی است تا از تندی و تیزی نقد نیز کاسته باشد. در چنین مواقعی شاهد کارکرد ابزار بلاغی بعنوان نوعی مجرای ارتباطی پوشیده و مستتر هستیم:



نمودار شماره ۵- توزیع فراوانی ابزارهای بلاغی در تذکره‌المعاصرین

### لایه کاربردشناسی

در لایه کاربردشناسی به بررسی چگونگی ارتباط نویسنده با مخاطب در لایه‌های زیرین متن پرداخته می‌شود. آنچه در بخش کاربردشناسی بیش از سایر مسائل مورد توجه سبک‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرد، توجه به نوع نظام‌های گفتمانی موجود در متن است. نظام گفتمانی غالب بر وزارت‌نامه‌ها اغلب از نوع نظام گفتمانی کنشی هستند که در آنها سه واژه کلیدی کنش، ارزش و تغییر برای تبیین هرچه بهتر نظام روایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گفتمان‌های کنشی، با ابژه‌های ارزش‌محور مواجهیم که کنشگرانی در پی تصاحب آنها هستند (نشانه-معناشناسی ادبیات، شعیری: صص ۱۹-۲۷). در گفتمان ایدئولوژیستی و قدرت‌محور، ارزش از آن صاحب ایدئولوژی یا قدرت است که قصد ثبوت، اشاعه و یا تبلیغ و صدور آن را دارد. چنین نظام گفتمانی در متن تذکره حزین نیز قابل پیگیری است. در این نظام گفتمانی، همچنانکه در نمودار مربوط به این بخش مشخص شده است، از میان انواع کنش‌های گفتمانی، بیش از هر کنش دیگری، از کنش بیانی و تصریحی و اظهاری (تولید عبارات و جملات معنادار بمنظور بیان یک واقعه یا گزارش یک فرایند) که در تاریخ‌نویسی و هر نوع روایت دیگر، بطور ذاتی، بیش از دیگر کنشها کارکرد دارد. در این کنش گوینده میکوشد در پیام‌های متنی خود اطلاعاتی را که خود می‌پسندد و قبول دارد، بدون مباحثه و بدون کنش‌های تعاملی و ارتباطی به مخاطب ارائه نماید. بنابراین میتوان نظام حاکم بر گفتمان تذکره حزین را در گفتمان اظهاری-اعلامی دسته‌بندی نمود. در درجات بعدی کنش‌های گفتمانی در لایه کاربردشناسی متن این کتاب، باید به کنش تعهدی (ایراد تعهد، سوگند و قول در تأکید انجام عمل) نیز اشاره کرد.



نمودار شماره ۶- توزیع فراوانی کنش‌های گفتاری در متن تذکره‌المعاصرین

### نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی آن بود که نحوه بازنمایی ایدئولوژی را در لایه‌های سبکی کتاب تذکره‌المعاصرین نوشته حزین لاهیجی، بعنوان نمونه‌ای از تذکره‌نویسی قرن دوازدهم - که خود زیرمجموعه نثر تاریخی است - بازجوید تا مناسبات بین زبان، تفکر و بافت فرهنگی-اجتماعی را در این نوع مکتوبات تاریخی-ادبی تحلیل نماید. حزین لاهیجی در نقل واقعیات عصر خود و نحوه زیست و شاعرانگی شعرای مذکور در این تذکره، پایبندی بسیاری به باورهای اخلاقی، فرهنگی و بیش از همه انتقادی-ادبی خود نشان می‌دهد و با انتخاب گفتمان تک‌صدایی، هیچ سستی و تردیدی در داوریه‌های شخصی و قضاوت در اوضاع و احوال و دانش و سیرت شاعران نمی‌نماید. نتایج



حاصل از بررسی لایه‌های سبکی متن تذکره المعاصرین حزین نیز مؤید این نکته است: حزین در لایه واژگانی با بهره‌مندی از شاخصهای شخصی که اغلب القاب و انساب شعرا است، اعتبار و رسمیت خاصی به مناصب مذهبی و عرفانی شیعی در تذکره خویش بخشیده است؛ همچنین در این بخش با گزینش بیشتر از میان رمزگان اخلاقی و عرفی، مؤلفه‌های ارزشی گفتمانی شخصی و اجتماعی (بافت متن) را ابراز داشته است. کاربرد رمزگان حوزه نقد ادبی، نگرش چندبعدی اما درعینحال کل‌انگار مؤلف را به مقولات ادبی و شعری نشان میدهد.

در لایه نحوی، آنچه پیش از همه در این لایه از متن به تبیین مبانی ایدئولوژیکی نویسنده یاری رسانده است، بهره‌گیری از وجه اخباری در اغلب لایه نحوی اثر است. وجهیت اخباری، صراحت و قطعیت مؤلف را در باورداشتهای ایدئولوژیکی نشان میدهد؛ همچنین در این لایه، مؤلف با انتخاب صدای دستوری فعال، صریح و آشکارا ارزشهای اندیشگانی خود را ابراز میدارد.

در لایه بلاغی، تشبیه بر سایر ارکان بلاغی پیشی دارد. تصاویر بلاغی فراوان موجود در متن تذکره حزین، نخست بمنظور قدرت‌نمایی مؤلف در عرصه انشا و در مرحله بعد بمنظور تقویت جنبه‌های ایدئولوژیکی متن و منظورهایی چون اغراق و استدلال و تمثیل بکار رفته است.

در لایه کاربردشناسی و در نظام گفتمان کنشی این متن، کنشهای بیانی و اظهاری و اعلانی، اولویت معناداری برای مؤلف داشته‌اند؛ خواندمیر با روایت کنش‌مند اعلانی و ورود کمتر در کنشهای تعاملی و ارتباطی، با اتخاذ گفتمان تک‌صدایی، نگرشهای ارزشی و باورداشتهای ایدئولوژیکی و فرهنگی خود را به قطعیت اعلام مینماید.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب استخراج شده است. سرکار خانم دکتر نرگس اسکویی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای سید کمال شریفی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عزیز حجاجی کهجوق نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

## REFERENCES

- Ahmadpanahi Semnani, Mohammad. (۱۹۹۵). *Shah Sultan Hossein Safavid Tragedy of Government Inability*, Second Edition, Tehran: Sample Book, p. ۱۳۶.
- Asil, Hojjatullah. (۲۰۰۷). *Encyclopedia of Persian Literature*, Volume ۲, under the supervision of Hassan Anousheh, Tehran: Academy of Persian Language and Literature, p. ۳۲۹.
- Azar Bigdeli, Lotfali. (۱۹۵۸). *Azar Fire Temple*, correction and margins by Seyed Hassan Sadat Naseri, Tehran: Amirkabir, p. ۴۱۶.
- Delbari, Hassan and Mehri, Fariba. (۲۰۱۵). *The Functioning of Ideology in the Stylistic Layers of Hassanak Wazir's Story*, Context of Persian Literature, New Volume, No. ۲, pp. ۶۳-۷۸.
- Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۱۲). *Stylistics of Theories, Approaches and Methods*, Tehran: Sokhan.
- GhaffariFard, Abbasgholi. (۲۰۰۲). *History of political, social, economic and cultural developments in Iran during the Safavid period*, Tehran: Samt, p. ۲۷۴.
- Ghorbani Zarrin, Baqer. (۲۰۰۱). *Persian Biography*, Encyclopedia of the Islamic World, Volume ۶, under the supervision of Gholam Ali Haddad Adel, Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation, pp. ۷۷۴-۷۷۸.
- Hedayat, Reza Qoli Khan. (۱۹۶۱). *Al-Fasaha Assembly*, Volume ۱, corrected by Mazaher Musafa, Tehran: Amirkabir, p. ۱۰.
- Krosinski, Tadozioda. (۱۹۸۶). *Travelogue*, translated by Abdul Razzaq Donboli, edited by Maryam May Ahmadi, Tehran: Toos, p. ۶۵.
- Lockhart, Lawrence. (۱۹۶۵). *The extinction of the Safavid dynasty*, translated by Ismail Dolatshahi, Tehran: Translation and Book Publishing Company, p. ۳۴۹.
- Mahmoudi Nosar, Maryam and Rezvanian, Ghodsieh. (۲۰۲۰). *Hazin Lahiji, a poet in the conflict of discourses*, *Quarterly Journal of Literary Research*, (۶۷) ۱۷, pp. ۱۳۵-۱۵۹.
- Makarik, Irna Rima. (۲۰۱۱). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agah, pp. ۴۲-۴۳.
- Meghdadi, Bahram. (۲۰۰۵). *Dictionary of Literary Criticism Terms (from Plato to the Present Age)*, Tehran: Fekr Rooz, pp. ۱۷-۱۸.
- Norgard, Nina and the Kiss, Beatrix and Monturo, Rousseau. (۲۰۱۵). *Stylistic Culture*, translated by Ahmad Rezaei Jamkrani and Masoud Farahmandfar, Tehran: Morvarid, p. ۲۶.
- Sheibani Aqdam, Ashraf. (۲۰۱۵). *Keywords of Stylistics*, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch Publications, pp. ۸۱-۸۲.

Sho'eyri, Hamidreza. (۲۰۱۶). Symbolism of Literature, Tehran: Tarbiat Modares University Press, pp. ۱۹-۲۷.

Sojudi, Farzan. (۲۰۰۸). Applied Semiotics, Tehran: Elm, p. ۱۵۰.

Tamimdari, Ahmad. (۱۹۵۸). Mysticism and literature in the Safavid era, Tehran: Hekmat, p. ۱۱۷.

### فهرست منابع فارسی

آتشکده آذر، آذر بیگدلی، لطفعلی (۱۳۳۷) تصحیح و حواشی از سیدحسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.  
انقراض سلسله صفویه، لکه‌هارت، لارنس (۱۳۴۴) ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۸۱) تهران: سمت.

تذکره نویسی فارسی، قربانی زرین، باقر (۱۳۸۰). دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

حزین لاهیجی شاعری در کشاکش گفتمانها، محمودی نوسر، مریم و رضوانیان، قدسیه (۱۳۹۹)، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، (۶۷) ۱۷، صص ۱۵۹-۱۳۵.

دانشنامه ادب فارسی، اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۶). جلد دوم، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۰)، ترجمه مه‌رمان مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.  
سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، (۱۳۹۱)، تهران، سخن.

سفرنامه، کروسینسکی، تادوزیودا (۱۳۶۳) ترجمه عبدالرزاق دنبلی، تصحیح مریم می احمدی، تهران: توس.  
شاه سلطان حسین صفوی تراژدی ناتوانی حکومت، احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۴) چاپ دوم، تهران: کتاب نمونه.

عرفان و ادب در عصر صفوی، تمیم‌داری، احمد (۱۳۳۷) تهران: حکمت.  
فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)، مقدادی، بهرام (۱۳۸۴)، تهران: فکر روز.  
فرهنگ سبک‌شناسی، نورگارد، نینا و بوسه، بئاتریکس و مونتورو، روسیو (۱۳۹۴) ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران: مروارید.

کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر، دلبری، حسن، و مهری، فریبا، (۱۳۹۴). متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، شماره ۲، صص ۷۸-۶۳.

کلیدواژه‌های سبک‌شناسی، شیانی‌اقدام، اشرف، (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.  
مجمع الفصحا، هدایت، رضا قلی‌خان (۱۳۴۰) جلد ۱، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷)، تهران: علم.

نشانه-معناشناسی ادبیات، شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵) تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

#### معرفی نویسندگان

**سید کمال شریفی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.  
(Email: [sharifikamal10@gmail.com](mailto:sharifikamal10@gmail.com))

**نرگس اسکویی:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.  
(نویسنده مسئول: Email: [n.oskooi@bonabiau.ac.ir](mailto:n.oskooi@bonabiau.ac.ir))

**عزیز حاجی کهجوق:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.  
(Email: [hjajykhjwaz@gmail.com](mailto:hjajykhjwaz@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Seyed Kamal Sharifi:** PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

(Email: [sharifikamal10@gmail.com](mailto:sharifikamal10@gmail.com))

**Narges Oskooi:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

(Email: [n.oskooi@bonabiau.ac.ir](mailto:n.oskooi@bonabiau.ac.ir) : Responsible author)

**Aziz Hajjaji Kohjoogh:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

(Email: [hjajykhjwaz@gmail.com](mailto:hjajykhjwaz@gmail.com))